زندگی سلام
ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
•چهارشنبه•۴ مهر ۱۳۹۷•شماره ۱۱۴۶

دنیا به روایت تصویر

یاهو| برداشت محصول ریشه نیلوفر آبی توسط کشاورزان

گتی ایمیج| خرس قطبی ساخته شده از ضایعات در اعتراض به تغییرات اقلیمی، ایالات متحده

رویترز| ترافیک گوسفندی! چین

حدیث روز

امام حسین(ع): وقتی که برادر دینی ات از تو جدا شد، سخنی پشت سر او نگو، مگر این که دوست داری او در پشت سر تو آن را بگوید.

بحار الانوار

ذکر روز چهارشنبه

صد مرتبه «یا حی یا قیوم»

در محضر بزرگان

ویژگی انسان تکامل یافته

استاد شهید مرتضی مطهری فرموده اند: «انسان در آغاز وجود خویش جسمی مادّی است، با حرکت تکاملی جوهری تبدیل به روح یا جوهر روحانی می شود. «روح انسان» در دامن جسم او زاییده می شود و تکامل می یابد و به استقلال می رسد. حیوانیّت انسان نیز به منزله لانه و آشیانه ای است که انسانیّت او در آن «رشد» می یابد و متکامل می شود. همان طور که خاصیّت تکامل است که موجود متکامل به هر نسبت که تکامل پیدا می کند مستقل و قائم به ذات و حاکم و مؤثّر بر محیط خود می شود، انسانیّت انسان (چه در فرد و چه در جامعه) به هر نسبت تکامل پیدا کند، به سوی استقلال و حاکمیّت بر سایر جنبه ها گام برمی دارد. یک انسان تکامل یافته فردی است که بر محیط بیرونی و درونی خود تسلّط نسبی دارد.»

برگرفته از «انسان و ایمان»

بریده کتاب

آری و نه

این خوشبختی نصیب من است که پس از هزاران سال گمراهی و آشفتگی راهی یافته باشم به سوی «یک آری» و به سوی «یک نه» رهنمون باشد. «نه» می آموزانم نسبت به هرچه ناتوان کند، نسبت به هرچه از پای در آورد. «آری» می آموزانم نسبت به هرچه نیرومند کند و نیرو افزاید، حس برتری و نیرومندی به کرسی نشاند و از آن جانبداری کند.

برگرفته از «اراده قدرت»
اثر فردریش نیچه

حکایت

عارف کیست؟

شبلی در مجلسی بود، یکی پرسید عارف کیست؟ گفت: «عارف کسی است که اگر دو عالم پیش او بنهند، با یک موی مژه همه را از جای برمی دارد و تواناتر از آن است که در گمان آید.» روزی دیگر باز یکی از وی پرسید عارف کیست؟ گفت: «عارف کسی است ناتوان و عاجز که لحظه ای تاب این دنیا را ندارد.» در این میان یکی برخاست و گفت: «شما آن روز عارف را آن چنان می گفتید و امروز این چنین می گویید؟» شبلی گفت: «آن روز من، من نبودم. امروز من، من هستم.»

ولی چون من منم امروز عاشق
از این بهتر جوابت نیست صادق

برگرفته از «الهی نامه» عطار

سخن بزرگان

* میدان جنگ فرصت مطالعه به کسی نمی دهد. هر کس هرچه می داند باید به کار برد. **جواهر لعل نهرو**
* کسی که دوراندیش نباشد، گرفتار خطرهای نزدیک می شود. دوراندیشی کلید پیشگیری بسی از ناگواری هاست. **کنفوسیوس**
* از خواص طبیعت آدمی است که عاقلانه و منطقی فکر می کند اما پوچ و بی معنی رفتار می نماید. **آناتول فرانس**

برگرفته از کتاب «رهنمون»
تالیف غلامحسین ذوالفقاری

قرار مدار

اندکی صبر

مهربان

نیکا منصوری

مهربانیت بسان غنچه ای است
که شکوفا می شود در بوستان دلم...
در بهار دلم سبز می شوی
گل می دهی و عطر گرم نفس هایت
در واژه های عشق
به بار می نشیند...

پند نیکان

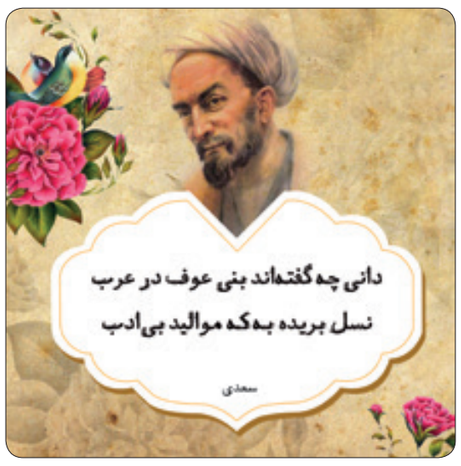

دور دنیا

ماجرای باور نکردنی پسر ۵ ساله ویتنامی

آدیتی سنترال- «آکا بین» نام پسر پنج ساله ویتنامی است که به جای صحبت به زبان مادری به صورت کاملا مسلط انگلیسی حرف می زند، بدون این که آموزش دیده باشد. حتی او می تواند انگلیسی بنویسد و بخواند! ماجرا وقتی عجیب تر می شود که بدانیم هیچ فردی در اطراف او انگلیسی صحبت نمی کند و او از وقتی زبان باز کرده اولین کلماتش را به انگلیسی گفته است. این پسر بچه هیچ کلمه ویتنامی بلد نیست و مادرش در حال آموزش زبان مادری به اوست.

پرو مجانی لباس ممنوع!

دیلی میل- یک فروشنده اسپانیایی که از مشتریانی که فقط برای پرو لباس به مغازه او مراجعه می کردند به ستوه آمده بود، اعلام کرد پرو لباس در مغازه او دیگر مجانی نیست و همه باید کرایه آن را بپردازند. او می گوید عده زیادی هر روز برای پرو لباس هایی که در سایت های آنلاین ارزان تر ارائه می شود، به فروشگاه او می آمدند و بدون خرید هیچ لباسی وقت او را می گرفتند و بعد از خروج از مغازه و اطمینان از مناسب بودن اندازه لباس، آن را از سایت های خرید آنلاین ارزان تر می خریدند. این اقدام فروشنده اسپانیایی اعتراض های زیادی را در شبکه های اجتماعی این کشور در پی داشته است.

دیدنی ها

اقامت در هتل پنج میلیون ستاره در نروژ

جزایر لوفوتن (Lofoten) یکی از جاذبه های طبیعی و زیبای نروژ است که بسیاری برای تماشای شفق قطبی به این منطقه می روند. مجمع الجزایر لوفوتن دارای مناظر متمایز با کوه ها و قله ها، دریای بیکران و خلیج، سواحل دست نخورده و بکر است. این مجمع الجزایر بالای دایره قطبی واقع است و آب و هوایی همانند گرینلند و آلاسکا دارد. دمای این منطقه معمولا ۲۳ درجه سانتی گراد است و بیشتر مواقع سرد است، هر چند هیچ زمان خاصی برای رفتن به این مجمع الجزایر وجود ندارد، چه فصل سرد و چه فصل گرم، این جزیره همیشه طرفداران خودش را دارد. در هر حال در این منطقه هوا خیلی سریع تغییر می کند و ممکن است حتی در فصل تابستان هم با هوای سرد مواجه شد. به دلیل آسمان صاف و آب و هوای مطبوع این منطقه، با وجود شب های سرد، بیشتر گردشگران ترجیح می دهند شب را در چادر سپری کنند و به تماشای ستارگان بپردازند؛ ستارگانی که آن قدر شفاف اند که می توان به راحتی آن ها را شمرد. شاید آن ها در یک هتل لوکس پنج ستاره اقامت نداشته باشند اما این چادرها برایشان حکم یک هتل پنج میلیون ستاره را دارد! با هم عکس هایی از این مجمع الجزایر زیبا و پرشور را می بینیم.

منبع: لست سکند

ما و شما

راه های ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام

* با تشکر از قرارمدارهای روزانه، خیلی خوب و انرژی بخش و شادی آور هستند. **مرادیان، تربت**
* دچار اضافه وزن هستم، چند روزی است صبح ها برای ورزش به پارک می روم نرم نرمک دوی نرم و کار با دستگاه ها را منظم انجام می دهم اما تعریق زیادی ندارم. مشکل در نحوه ورزش کردن است یا نه؟ لطفا راهنمایی کنید متشکرم.
* خدایا؛ مسئولان مان را تا فته جدا بافته از مردم نکن!
* لطفا بخش زندگی سلام را طبق روال گذشته اش چاپ و بخش مسابقه هاتون را بیشتر کنین و سؤال مسابقه پیامکی بذارین و تو صفحات روزنامه تون تنوع ایجاد کنین. **فهیمه کشته گر، درگز**
* همسر عزیزم، عشق تو به تدریس در پایه اول ابتدایی و علاقه تو به شغل معلمی مثال زدنی است. از صمیم قلب برایت آرزوی موفقیت می کنم. **حسین**
* سه نقطه دیروز تون درباره آشپزی مدل جدید خیلی عالی بود! واقعا همین طوره، الان باید تخیلی غذا بپزیم و بخوریم!
* آرزو دارم لااقل یک روان شناس در شهرمون باشه تا با صحبت کردن پیش شون، کمی سبک بشم. چون چیزی که مشخصه اینه که انگار مشکلات نمی خواد حل بشه.
* آق کمال؛ این روزها چرا سگرمه هات پایینه؟ خدای نکرده کشتی هات غرق شده؟ بابا دنیا دو روزه، باقیش روز به روزه!

آق کمال: کی؟ مو؟ هم عین خیالم نیست، اشکال از گیرنده یه!

* آقای کاردار دمت گرم با مطلبت درباره وزیر بهداشت، گل گفتی ولی کو گوش شنوا؟

محمدرضا حسینی

* **پیام صرفه جویی**: یکی از نکاتی که معمولا بهش توجه نمی کنیم در جه آبگرمکنه. هر چی در جه بالاتر باشه، مصرف سوخت و اتلاف انرژی بیشتره، حواسمون باشه که نسوزیم!

تاپخند

* همه ایرانی ها یک ظرف نسکافه دارن که توش نعناع خشک ریختن!
* برای زنده شدن خاطرات دوران مدرسه یه لقمه نون پنیر برداشتم رفتم زیر مبل دارم می خورم!
* من دقت کردم بیشتر آرایشگرها کلا با واحد اینچ کار می کنن، مثلا شما میگی ۲ سانت کوتاه کن، ۲ اینچ کوتاه می کنن. حتی دیده شده اگه اندازه رو با دست نشون بدی حدود سانتش رو می بینن بعد ذهنی تبدیل به اینچش می کنن، بعدش کوتاه می کنن!
* یک جوری قیمت جنس ها و طلا و دلار داره با سرعت میره بالا که از مرحوم میگ میگ هم سبقت گرفتن!
* آیفون جدید رو قیمت زدن ۴۳ میلیون. قبلا با ۴۳ میلیون غلام پیروانی می تونست سه فصل فجر سپاسی رو تو لیگ نگه داره، تازه آخرش ۱۰ میلیون هم اضافه می آورد!

اعتراف می کنم

زندگی بزرگان

در محضر علما

داشتم از کنار خیابان رد می شدم که یک ماشین لندور برایم بوق زد. برگشتم و دیدم یکی از رفقا پشت فرمان نشسته و گفت: «میای ملاقات آقا ابرام؟» گفتم بله و پریدم بالا. همین که به عقب نگاه کردم خیلی خجالت کشیدم. با ادب سلام کردم. علامه محمدتقی جعفری پشت سرم نشسته بود. وقتی به منزل ابراهیم رفتیم بعد از تعارفات معمول، ابراهیم شروع به صحبت کرد و گفت: «استاد! ما توی جبهه به خیلی از مسائل یقین پیدا می کنیم.» بعد دستش را شبیه دایره کرد و گفت: «اگر دنیا مثل این کره باشد، امام زمان(عج) مانند این دست های من به همه جا احاطه دارد. خداوند نیز بر تمام دنیا شاهد و ناظر است.» علامه در سکوت به این تعابیر عرفانی ابراهیم فکر می کرد.

برگرفته از جلد دوم کتاب «سلام بر ابراهیم»

تفأل

به یاد شخص نزارم که غرق خون دل است
هلال را ز کنار افق کنید نگاه
منم که بی تو نفس می کشم زهی خجلت
مگر تو عفو کنی ور نه چیست عذر گناه

از اون لحاظ

نان، عشق و زلزله

محمدامین فرشادمهر|طنزپرداز

استادی داشتیم در درس زمین شناسی که همیشه برای بچه های ترم اول خاطره ای از یک زلزله در زمان قدیم را تعریف می کرد. طبق گفته ایشان ماجرا از این قرار بوده که عمو و زن عمویش با هم قهر می کنند و زن عمو به خانه پدری اش در آن سر روستا می رود. یکی از شب ها عموی این استادمان از تنهایی حسابی کلافه می شود و دعا می کند که کاش همسرش برگردد. در همین لحظه زلزله ای بزرگ رخ می دهد. عمو پیش خودش می گوید البته نه با این ریشتر. لرزه ها که تمام می شود عمو از زیر کرسی بیرون می آید و از پنجره بیرون را نگاه می کند. در کمال تعجب می بیند زلزله خانه او و پدر خانمش را به هم چسبانده. عمو با ذوق و هیجان موهایش را مرتب می کند و به سمت خانه پدر خانمش می دود. او در ذهنش منتظر است تا همسرش در را باز کند و از دیدن او غافلگیر شود اما برادرزنش در را باز می کند. او به داخل می رود و منتظر است که همسرش را در حالی که از تمام شدن زلزله نفس راحتی می کشد ببیند اما مجددا پدرزنش را می بیند که از دستشویی خارج می شود. در حالی که تمام ذوق عمو از بین می رود قصد خروج از آن جا را می کند که همسرش از پشت در می پرد جلویش و می گوید: «سورپرایز! می دانستم میایی. دیدی زلزله چه به همدیگر نزدیک مان کرده؟ قسمت که باشد همین است دیگر.» عمو هم تایید می کند و می گوید: «فقط مانده ام چه بر سر اراضی کشاورزی مان آمده.» زن عمو می گوید: «خیلی واضح است؛ زلزله باعث شده زمین های کشاورزی و باغ های ما که بین خانه پدرم و خودمان بود به درون زمین برود و خانه هایمان به هم نزدیک شود.» عمو می گوید: «یعنی تمام کشاورزی و باغداری و کار و سرمایه و عمر ما به فنا رفت؟» زن عمو می گوید: «بله دیگر؛ در عوض ما الان همدیگر را داریم!» عمو می گوید: «هوم آره.» سپس چند لرزه خفیف در اندامش مشاهده می شود. بدین ترتیب عمو تا آخر عمر فقط به رو به رو خیره شده بود و بدون حرف از زندگی شیرین شان لذت می برد.

بله این قصه را گفتم که بگویم مشکل ما این است که نیمه پر لیوان را نمی بینیم؛ مثلا درباره فعال شدن دماوند و این که ممکن است قله اش کنده شود. خب هیچ وقت این گونه به ماجرا نگاه نمی کنیم که شاید همان روز همسر ما به قله دماوند رفته و دل ما حسابی برایش تنگ شده باشد. یعنی ممکن است قله کنده شود و به همراه همسرمان بیفتد وسط خانه مان و دلتنگی ما رفع شود. عاشقانه نیست؟!

یادش به خیر

ترسناک

مسافر صندلی عقب

عادت کرده بود تا توی ماشین می نشیند درها را قفل کند. از بس شوهرش هشدار داده بود که ممکن است در دیار مردم آزاری در را باز کند و سوار شود. خرید کرده بود و می خواست تا قبل از غروب به خانه برگردد. تا داخل ماشین نشست، دکمه قفل را زد ولی کار نکرد. دوباره دکمه را فشار داد، در قفل نشد. مضطرب شد. استارت زد ولی ماشین روشن نشد. ترسید. خواست پیاده شود و با تاکسی برود ولی در باز نشد. کوچه خلوت بود. قلبش تند می زد و دهانش تلخ شد. گوشی را برداشت تا به همسرش زنگ بزند ولی آنتن تلفن هم صفر شده بود. حتی صدای بوق هم در نمی آمد. با مشت به شیشه ها کوبید ولی کسی در اطراف نبود. حس کرد توی آینه وسط سایه ای در صندلی عقب به چشمش خورد. جرئت نداشت پشت سرش را نگاه کند. صدای خنده ای آمد. دست سردی دور گلویش حلقه زد.

ع. ک

شماره: ۵۵/۳۴/۹۷/۳۸۰۸
تاریخ: ۱۳۹۷/۶/۳۱

جهاد کشاورزی

نوبت اول
مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان خراسان رضوی وابسته به جهاد کشاورزی در نظر دارد امور حفاظت فیزیکی خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای به پیمانکاران واجد شرایط از طریق سامانه تدارک الکترونیکی دولت (ستاد) واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از «دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد» از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

۱- شماره فراخوان و تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: ۲۰۰۹۷۱۵۶۶۰۰۰۰۲ روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۷/۴
۲- نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان خراسان رضوی به آدرس مشهد میدان فردوسی ابتدای بلوار سازمان آب (بلوار شهید صادقی)
۳- هزینه خرید اسناد مناقصه: مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال می باشد که از درگاه بانکی موجود در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام می گیرد.
۴- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: از روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۷/۴ لغایت ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۷/۱۱ (۷ روز کاری)
۵- آخرین مهلت ارائه پاکت های پیشنهادی بارگزاری در سامانه: تا ساعت ۱۹ روز سه شنبه ۹۷/۷/۲۴
لازم به ذکر است پیشنهادات ارسالی باید حداقل ۴۵ روز از تاریخ آخرین روز تسلیم پیشنهادات اعتبار داشته باشند.
۶- تاریخ گشایش پیشنهادها: روز چهارشنبه مورخ ۹۷/۷/۲۵ ساعت ۱۰ صبح در سالن جلسات استان می باشد.
۷- مبلغ و نوع تضمین فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۱۸۶.۸۶۴.۵۰۲ ریال است که به دو صورت ضمانتنامه بانکی و یا فیش واریزی به شماره حساب شبای ۲۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۷۰۴۰۰۵۷۹۱ir نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام خزانه داری کل از طریق دستور پرداخت سانتا یا بایا با شناسه واریزی ۳۰ کاراکتری ۳۹۷۰۳۹۷۶۰۲۶۳۵۰۰۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶ قابل ارائه می باشد.
۸- آدرس و زمان تحویل اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: اصل تضمین شرکت در فرایند ارجاع (پاکت الف) علاوه بر بارگزاری در سامانه، می بایست به صورت فیزیکی و در پاکت بسته و ممهور، حداکثر تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۹۷/۷/۲۴ به دبیرخانه کمیسیون معاملات مناقصه گزار در آدرس فوق الذکر تحویل و رسید دریافت شود.
ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانید ضمن تماس با شماره تلفن ۳۷۲۴۴۷۸۰ -۰۵۱ به آدرس اینترنتی شرکت www.assc.ir و آدرس پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir مراجعه فرمایید.
شماره تماس پشتیبانی سامانه: ۴۱۹۳۴ -۰۲۱ و مسئول سامانه استان آقای موسی زاده مستقر در سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان رضوی می باشد.

۹۷۱۰۴۸۸۶/ر

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۹۷/۱۰

شرکت عمران شهر جدید گلبهار وابسته به وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد مناقصه مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید، لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی به درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس: www.setadiran.ir مراجعه نمایند. ضمنا کلیه مراحل مناقصه از دریافت اسناد و تکمیل و ارائه پیشنهادات و بازگشائی پاکتها از طریق سامانه یاد شده انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصات محقق نمایند.

موضوع مناقصه	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	صلاحیت و پایه پیمانکاران	شماره فراخوان سامانه ستاد
اجرای عملیات برق رسانی محله ۳۵ شهر جدید گلبهار	۵/۷۲۰/۲۹۰/۰۰۰	۲۸۶/۰۰۰/۰۰۰	نیرو و حداقل پایه ۵	۲۰۰۹۷۱۲۷۶۰۰۰۰۱۶

-شرکتهای مورد نظر می بایست دارای تاییدیه از شرکت توزیع برق استان نیز بوده و آنرا ارائه نمایند.
- نحوه پرداخت: بصورت ۱۰۰ درصد تهاتر با زمین و یا واحد ساخته شده در شهر جدید گلبهار
- آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۰
- آخرین مهلت تکمیل و ارسال اسناد: پایان وقت اداری مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۱
-تاریخ بازگشائی پاکتها: ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید گلبهار

۹۷۱۰۴۸۷۷/ر